



علی جمشیدی

دبیر گروه سیاسی

چندی است که برخی چالش های مهم در ساختار اقتصادی کشور به صورت روزانه تیتتر رسانه ها می شود و تصمیمات دولت نیز نتوانست آنها را مرتفع کند. تعیین نرخ ارز دولتی یا همان ارز جهانبگیری یکی از آنهاست و پیرو آن نحوه کمک به طبقات کمتر برخوردار جامعه. برای بررسی این مساله و راه های برون رفت از شرایط فعلی با دکتر مجید شاکری اقتصاددان و استاد دانشگاه به گفت و گو نشستیم و موضوعات یاد شده را با نمونه های میدانی بررسی کردیم. مشروح این گفت و گو در ادامه از نظراتان می گذرد.

۱۱۱

در مورد موضوع ارز ۴۲۰۰ تومانی نکات زیادی مطرح می شود که زاویه های مختلفی دارد. اساسا تحلیل شما چیست؟ موافق استفاده از این ارز در کشور هستید یا خیر؟ گروهی می گویند نباید ارز ۴۲۰۰ تومان باشد و اصولا ارز را باید تک نرخی کرد تا مشکلات حل شود. این گروه بدون توجه به زوایای مختلفی که در این قسه وجود دارد یک پیش فرض مهم دارند و آن این است که «دولت ارز ۴۲۰۰ تومانی را ارائه می کند ولی از کنترل فاسدان ناتوان است، لذا این کار فی نفسه از ابتدا شکست خورده بود.» این گروه توضیح می دهند که این اقدام موجب ارائه یک رانت بزرگ می شود، رانتی که صرفا مورد استفاده وارکننده است و مصرف کننده نهایی از آن استفاده نمی کند. از دیدگاه بنده این حرف غلط است و چرایی آن را در ادامه خواهیم گفت. گروه دیگری می گویند حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی اراده جریان لیبرال فعال در عرصه اقتصاد کشور است، آنها می خواهند نرخ را آزاد و گران کنند. در حالی که قابل بحث است که چه بسا ورود یک کالا به نرخ نیمایی به مراتب از ورود آن با ارز ۴۲۰۰ تومانی ارزان تر می شود. این یک موفقیت متناقض ناست و به سادگی باور پذیر نیست و عموما با این پرسش مواجه می شوید که چطور ممکن است وارد کردن کالا با ارز ۱۰ هزار تومانی ارزان تر از واردات با ارز ۴۲۰۰ تومانی باشد. از این رو در مورد ارز ۴۲۰۰ تومانی باید یاد داشت سخن گفته شود. بنده معتقدم نقطه محوری این موضوع و چیزی که نه موافقان و نه مخالفان آن را درک نمی کنند حقیقتی به نام «کیفیت ارز» است. این طور نیست که بگوییم چیزی به اسم ارز داریم که این ارز را به ایسن یا آن می دهیم. ارز محدوده ای از کالاهای و محصولات متنوع است، به عبارتی سبیر مراکزی از کالاهای مختلف ارزی وجود دارد. دقت کنید که این تفاوت بین ارزها وجود دارد اما در شرایط غیرتحریمی تفاوت مابین این اشکال مختلف ارز از جنس دهم و در صد است و دیده نمی شود به همین خاطر اصطلاحا به این شرایط «تک نرخی» می گوینم در حالی که در دوره تک نرخی هم، ارز تک نرخی نیست بلکه بسته به مبدأ، مقصد، نحوه مصرف و... نرخ متفاوت است ولی چون شرایط حد نیست جدایی مابین این نرخ ها اندک است و از دید مخاطب عام این جدایی بی معناست. وقتی شرایط تحریمی رخ می دهد به جایی می رسیدم که در هر زنجیره معامله یعنی اینکه چه ارزی را در کجا چه کسی به چه کسی می فروشد شرایط متفاوت و کالای ارزی مختلفی مشاهده می شود.

۵ مدافع حذف ارز ۴۲۰۰ هستم

پس نکته ابتدایی شما این است که ارائه ارز ۴۲۰۰ تومانی برای همه کالاهای اساسا کار غلطی است؟

بله، واضح است ارائه این ارزی برای همه کالاهای غلط است. پس در اینجا مادر بارنرخ ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی صحبت می کنیم. نگاه قابل بحثی در این نقطه وجود دارد که باید توضیح داده شود. برخی معتقدند «چرا باید به گوشت ارز ۴۲۰۰ تومانی داد ولی گوشت گرم هنگام خرید توسط مصرف کننده نرخی معادل ۱۳۰۰ هزار تومان داشته باشد؟ و همین جا هم نتیجه می گیرند که در این وسط رانت وجود دارد و یک سری آدم هستند که این رانت را می خورند و به دست مصرف کننده نمی رسد.» این حرف غلط است. چرا غلط است؟ اول بگذارید دوباره بر این مساله تاکید کنم که من طرفدار حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی هستم، اما این به آن معنا نیست که این ایده که با مثال گوشت توضیح دادم حرف درستی است، لذا به خاطر همین استدلال من طرفدار حذف نرخ دلار ۴۲۰۰ تومانی باشم.

پس استدلال تان چیست؟

تا روزی که ارز ۴۲۰۰ تومانی کمابیش بدون مشکل داده می شد، نرخ کالاهای اساسی تا حد ممکن قابل کنترل بود. یعنی چه؟ در بهترین تحقیقی که در این زمینه انجام شده، آمده اند به صورت دقیق کالاهای اساسی و اثر مستقیم و غیرمستقیم این نرخ بر کالاهای شمول و غیرمشمول را جدا و بررسی کردند، نتایج نشان داد که تا آبان ۱۳۹۷ به صورت میانگین کالاهای اساسی نرخ خود را بین رقم ۶۳۰۰ تا ۶۷۰۰ تنظیم کرده بودند. این نرخ قابل تأمل است اما منی توان گفت «فاصله حدود دوهزار تومان از ۶۳۰۰ تا ۶۷۰۰ یک رانت است» و به جیب کسی رفته است، چون بسته به کالاهای مختلف نرخ دستمزد، هزینه مورد نیاز برای سرمایه بوده و موارد دیگری وجود دارد که افزایش پیدا کرده و روی قیمت نهایی کالا اثر گذاشته است.

پس چه چیزی باعث شده این نرخ در این ساختار قرار گیرد؟ اول از درست داده شده است، در تانی در بسیاری از موارد چون تعداد واردکننده محدودی برای یک کالای مشخص اعم از گوشت، کنجاله سویا، ذرت و... وجود داشته این افراد برای اینکه موقعیت موجود برایشان باقی بماند سعی کردند تا حد ممکن همکاری کنند و انحرافی نداشته باشند. چه موقعیتی ادامه داشته باشد؟ فرصت دسترسی به ارز با کیفیت. اینجا بحث اصلی شروع می شود. ما نمی توانیم با هر ارزی هر چیزی بخریم؛ مثلا اگر شما می خواهید گوشت وارد کنید، از کجای می خرید؟ از برزیل، رومانی یا قزاقستان یا هر جای دیگر، شما برای اینکه از برزیل خرید کنید پیرو می خواهید یا دلار برای اینکه از قزاقستان خرید کنید تنگه می خواهید یا رول،

سیاست

مجدید شاکری، اقتصاددان می گوید

تصمیم گیری درباره ارز جهانبگیری پیچیده است

برای ارز ۴۲۰۰ نسخه واحد وجود ندارد



عکس: واحد سراسری فرهنگستان

مانند پتروشیمی که خیلی ها از رابرون نگه می دارند و اصلا داخل نمی آورند... درباره آنها و عدم ورود یا ورود ارز در پتروشیمی هم نکته ای دارم. پس ماهوار یک شکاف فزاینده ای خواهیم داشت که این شکاف در نقاط غیرریالی رخ می دهد. من با ابزار حکمرانی خود نمی توانم این را کنترل کنم مگر اینکه طرف عرضه و تقاضا یکی باشند؛ یعنی ما بپذیریم بخشی از واردات و صادرات مان ملی شود که در این ساختار همان که صادرات می کند همان واردات را انجام می دهد. این ایده غلط نیست و من با این ایده مشکلی ندارم اما در این دولت نمی بینم که چنین کاری را بلد باشد. نکته بعدی این است که می گوید اگر بخواهید ۴۲۰۰ را ادامه دهید یا به طرز معناداری بتوانید کنترل کننده نرخ باشید باید نقشه تجاری خود را تغییر دهید. این که هنوز با پیورو کنجاله را می خریم ضعف است باید طور دیگری کنجاله خرید.

چرا؟

می گویند ارز بیرون دارم که کنجاله بخرم. پس باید از یک جای دیگر یا به روش دیگری خرید کنیم. اصلا چه کسی گفته که ما باید رویه شرایط پیش از تحریم برای خرید کنجاله را ادامه دهیم؟ لذا باید گفت که وزارت صمت به جای ارائه ارز ۴۲۰۰ تومانی باید نقشه تجاری کشور را تغییر دهد تا مشکلات مرتفع شود. این خود نکته دیگری است.

برخی استنباط می کنند که این حرف های شما به معنی گران شدن ارز است.

خیر، فرض کنید شما با لیر نمی توانید گوشت بخرید ولی با لیر می توانید دینار بخرید، با دینار در بازار سلیمانیه یا در بازار دبی یا در بازار هرات که همه به هم وصل هستند مداخله کنید یا اینکه اسکناس آنها را به تهران بیاورید پس ارز گران نمی شود، معنی حرف من این نیست.

۵ در ماجرای کاغذ یا باید مبدا کره جنوبی را برای واردات تغییر داد یا نوع ارز را

با ماجرای متناقض نماها که قبلا هم گفتید چه می کنید؟ بله، این ماجرا در قهوه رود کالاهای اساسی به بازار نیمایی قابل طرح است، مثلا علی رغم اینکه این عمل باعث تثبیت یا کاهش نسبی نرخ کالاهای اساسی وارد شده با ارز بازار نیما می شود، همزمان باعث افزایش نرخ ارز نیما هم می شود، چرا که تقاضای جدید ارائه شده است. اما این موضوع باعث افزایش نرخ ارز آزاد نمی شود. چرایی آن خیلی پیچیده نیست، چون با این روش دست بانک مرکزی باز می شود و این بانک می تواند در بازار آزاد با همان شرحی که در باره لیر و دینار گفتیم، دخالت و نرخ را کنترل کند. پس این اثرات متناقضی دارد. همینجا دوباره تاکید کنم که اگر ناچار هستیم به این سمت برویم و در برخی کالاهای نیمایی را جایگزین ارز ۴۲۰۰ تومانی کنیم، این اتفاق در ذیل فشار لیبرال ها و اعتقادات آنها به بازار نیست بلکه واقعیت، نرخ را به آنجا کوچ می دهد. مثال کاغذ نمونه خوبی است، هنوز مبدا واردات کاغذ، کشور کره جنوبی است و در صورتی که این مبدا تغییر نکند ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات آن نمی تواند کمک کند، لذا اگر اصرار بر واردات از این مبدا وجود دارد باید حتما از نیمایی به آن تخصیص داده شود تا امکان واردات فراهم شود.

۵ یعنی امروز ارز نیمایی در کره در دسترس است؟ اگر بله، این ارز حاصل چیست؟

بله، از صادرات غیرنفتی حاصل شده است.

۵ نباید ارز اختصاصی همه کالاهای را تغییر دهیم این فرمول آیا برای همه کالاهای قابل بسط است؟

خیر، یک نکته دیگر این است ارزی که برای خیلی از کالاهای داریم با آن کالایی که داریم به هم می خورد پس اساسا کسانی که دنبال راه حل جهانشمول هستند می گویند همه کالاهای این طور کنیم یا همه کالاهای اساسی را آن طور کنیم، آنها هم اشتباه می کنند. کالا به کالا با هم فرق دارد. بستگی به شرایط مختلف کالا به کالا متفاوت است.

۵ اگر بپذیرم در برخی کالاهای ناچار از مهاجرت از ۴۲۰۰ به ارز نیمایی هستیم باید بپذیریم که به برخی طبقات فشار می آید، مکانیسم جبرانی چطور باید باشد؟

سه مکانیسم قابل بحث است. ارائه کوپن، پرداخت نقدی و کارت رفاه. مدافعان مکانیسم کوپن به لحاظ اقتصادی می گویند اگر بخواهید این مکانیسم را انجام دهیم، فارغ از اینکه با چه ارزی

شود به این دلیل که کیفیت ارز نیما به دلایل تحریمی- بسیار بالاتر از ارز نفتی است، نرخ شما یا کاهش می یابد یا تثبیت می شود. همانطور که در قسه گوشت نیز این اتفاق افتاد. جزئیات دیگری هم دارد، مثلا وقتی روی عرضه گوشت فشار می آید به طور طبیعی بانک مرکزی سعی می کند منابع با کیفیت خود را به سمت این محصول ببرد و مانع از فشار شود که می تواند دلیل سیاسی یا دلایل دیگری داشته باشد. پس در یک دوره ای وضعیت گوشت بهتر می شود ولی این وضعیت اصلا پایدار نیست و من بحث نیما را پایدار تر می دانم. عین همین ماجرا را در مورد کاغذ هم داریم، یعنی مصوب شد ارز ۴۲۰۰ تومانی به کاغذ بدهند و این مشکل را تشدید خواهد کرد. حالا اجازه دهید این موضوع را چند جور دیگر نگاه کنیم. راه حل ها را هم می شماریم. دقت کنید در ایام اجرای ارز جهانبگیری یعنی ۴۲۰۰ همه اعم از مردم، نمایندگان و دیگران دنبال این موضوع هستند که چقدر ارز تخصیص داده شده و رفته است. ۱۸، ۲۵، و ارقام دیگر گفته اند که همه اینها به نحوی درست است که قابل بحث هم هست. اما نکته مهم تر این است که به دلیل عدم فهم تصمیم گیران سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی، و این فهم غلط آنها منی بر اینکه قیمت همه ارزها با هم یکی است، به طور طبیعی وارکننده ها اول تقاضا را برای ارزی گذاشته اند که بیشترین کیفیت را دارد. به همین خاطر در ایام عرضه ارز ۴۲۰۰ اول از اول با کیفیت تخلیه شد و اگر این اتفاق نیفتاده بود درباره کالاهای اساسی به این زودی ها به این مشکل نمی خوردیم. اما خب، جدای از اینکه به این مشکل نمی خوردیم یا اینکه می گفتیم پتروشیمی های حاکمیتی و دولتی متولی دادن ارز ۴۲۰۰ شوند و بانک مرکزی ارز نمی داد، دو اشکال وجود داشت؛ اشکال اول همان بود که درباره ارز ۴۲۰۰ تومانی هم وجود داشت، یعنی تولید داخلی را نابود می کرد و شما اگر می خواستید تولید داخلی نابود نشود باید همواره قیمت آن را با قیمت داخلی برابر می کردید- با فرض اینکه قاچاق هم وجود نداشت و شما به نوعی مرزهای امنی بسطید به این هیچ کسی نمی توانست قاچاق کند- چون تورم انتظاری ادامه دار است، و این تجدیدنظر دائمی در قیمت ارز یک بروکراسی عریض و طویل را به همراه دارد که روز به روز وحشتناک تر می شود. تازه بعد از بیان همه این نکات، می رسم به مشکلی که در ابتدا بیان کردم. ما منی داریم اگر مشکل کیفیت ارز پیش نمی آمد آیا باز هم آن ۶۳۰۰ باقی می ماند یا خیر. وقتی مابین ارزی که تخصیص می دهید با ارز بازار آزاد اختلاف وجود دارد، همیشه مشکل انحراف دارید. شما با روش های کنترلی می توانید طی زمان این موضوع را کنترل کنید اما این روش ها ابتدا همه سفت هستند و بعد شل می شوند. یعنی نمی توانیم قسم بخوریم که اگر مشکل کیفیت ارز در آبان پیش نمی آمد هم موضوع ادامه پیدا می کرد و ارز ۴۲۰۰ تومانی تا کارآمد نمی شد. متغیر حساس چیست؟ میزان فاصله مابین نرخ شما و نرخ بازار آزاد است. پس شما باید هم نرخ بازار آزاد را کنترل و هم کاری کنید که برای طرف تقاضا صرفه اقتصادی نداشته باشد که این ارز را مصروف در بازار آزاد کند. ممکن است کسانی بگویند که از طریق کنترل این کار را انجام می دهیم اما کسی که برای این ماجرا به خصوص کنترل سامانه های ریالی، ماده ۱۶۹ مکرر و... وجود دارد، راه های مناسبی نیست. اینهایی که نام بردم اصلا بد نیست و همه خوب است، من مدافع همه هستم، اما دارم در مورد میزان کارایی آنها حرف می زنم. اساسا فساد در تبدیل ارز آزاد به دولتی در بازار ریال رخ نمی دهد، بلکه در بازار خارجی اتفاق می افتد. یعنی شما تفاوت آن را در بیرون نگه می دارید، اگر طی زمان فشار را زیاد می کنید که اینها ناچار می شوند برگردانند که معنی آن در طی این مدت کاهش سرعت گردش ارز است- یعنی آدم ها صبر می کنند شاید فرجی شود- یا اصلا نمی آورند و بیرون می مانند چون می خواهند بروند.

